

Developing a Causal Model of Marital Stability Based on Differentiation with the Mediating Role of Conflict Management

Mokhtar Arefi¹, Badri Mahmoudi²

1. (Corresponding Author), PhD in Counseling, Associate Professor, Department of Psychology and Counseling, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran. M.arefi@iauksh.ac.ir
2. M.Sc., General Psychology, Department of Psychology and Counseling, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.. badri.mahmoudi67@gmail.com

ABSTRACT

Received: 12/03/2025 - Accepted: 23/10/2025

Aim: The main aim of the present study was to develop a causal model of marital stability based on self-differentiation with the mediating role of conflict management. **Method:** This study employed a correlational design. The sample consisted of 200 married women selected through cluster sampling from among the parents of students attending first-level secondary schools in District One of Kermanshah. Participants completed the Conflict Management Questionnaire (ENRICH; 1982), the Self-Differentiation Questionnaire (Skowron & Smith, 2003), and the Marital Stability Questionnaire (Edwards et al., 1987). The collected data were analyzed using Partial Least Squares (PLS) software, and structural equation modeling with path analysis was applied to examine the relationships among the research variables. **Finding:** This study employed a correlational design. The sample consisted of 200 married women selected through cluster sampling from among the parents of students attending first-level secondary schools in District One of Kermanshah. Participants completed the Conflict Management Questionnaire (ENRICH; 1982), the Self-Differentiation Questionnaire (Skowron & Smith, 2003), and the Marital Stability Questionnaire (Edwards et al., 1987). The collected data were analyzed using Partial Least Squares (PLS) software, and structural equation modeling with path analysis was applied to examine the relationships among the research variables. **Conclusion:** Individuals with higher levels of self-differentiation manage marital conflicts more effectively, as they possess greater emotional regulation abilities and have achieved higher levels of personal growth. This enables them to engage in more constructive interactions with their spouses and to manage their behaviors more effectively, ultimately leading to greater marital stability and satisfaction.

Keywords: Marital stability; differentiation; conflict management



تدوین مدل علی پایداری زناشویی بر اساس تمایز یافتگی با میانجی‌گری مدیریت تعارض

مختار عارفی^۱، بدری محمودی^۲

۱. (نویسنده مسئول)، دکتری مشاوره، دانشیار، گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. M.arefi@iauksh.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. badri.mahmoudi67@gmail.com

(صفحات ۲۴-۵۹)

چکیده

هدف: هدف اصلی از نگارش پژوهش حاضر، تدوین مدل علی پایداری زناشویی بر اساس تمایز یافتگی با میانجی‌گری مدیریت تعارض بود. **روش:** این مطالعه از نوع همبستگی بوده و از میان والدین دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول ناحیه یک کرمانشاه تعداد ۲۰۰ نفر (زن متأهل) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان پرسش‌نامه مدیریت تعارض (انریچ ۱۹۸۲)، تمایز یافتگی خود (اسکورون و اسمیت ۲۰۰۳) و پرسش‌نامه ثبات زناشویی (ادواردز و همکاران ۱۹۸۷) را تکمیل کردند. داده‌های گردآوری شده با بهره‌بردن از نرم افزار PLS جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از تحلیل مسیر معادلات ساختاری استفاده شده است. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد تمایز یافتگی خود و ثبات زناشویی با ضریب مسیر ۰/۵۵۶، تمایز یافتگی خود و مدیریت تعارض با ضریب مسیر (۰/۵۹۳)، مدیریت تعارض و ثبات زناشویی با ضریب مسیر (۰/۲۶۹)، تمایز یافتگی خود و ثبات زناشویی با نقش میانجی مدیریت تعارض با ضریب مسیر (۰/۷۱۶) (رابطه داشته است). **نتیجه‌گیری:** افرادی که در سطح بالای تمایز یافتگی خود قرار داشته باشند، تعارض‌های زوج را بهتر مدیریت می‌کنند؛ چون توانایی تنظیم هیجانات خود را دارند و به رشد بهتری رسیده‌اند که می‌توانند تعامل سازنده‌ای با طرف مقابل داشته باشند و عملکردهای خود را مدیریت کنند که در نتیجه به پایداری و رضایت زناشویی دست یابند.

واژه‌های کلیدی: پایداری زناشویی، تمایز یافتگی، مدیریت تعارض

مقدمه

یکی از پیامدهای عاطفی انسان، ایجاد روابط انسانی است و در این میان ازدواج به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ارتباطی میان انسان‌ها معرفی شده است. (لوکاس، ۲۰۰۳). ارتباط اعضای خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی که بر پایه ازدواج بنا شده است در شکل‌گیری نگرش‌ها، بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده نقش بسیار مهمی دارد (زارعی، میرزایی، صادقی‌فرد، ۱۳۹۷، به نقل از محمدی، صداقتی‌فرد، ۱۴۰۲).

پایداری و رضایت‌بخشی در ازدواج، پیامدهای مثبتی همچون سلامت روانی، سلامت بدنی و رشد را برای زوج‌ها و سایر اعضای خانواده به دنبال دارد (حاتمی وزنه و همکاران، ۱۳۹۵) پایداری ازدواج بدین معناست که زوج‌ها چه میزان قادرند روابطشان را در برابر تنیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به خوبی حفظ و نگهدارند. (کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶، به نقل از اکبری، عارفی، مرادی، ۱۴۰۲) ثبات زناشویی، ماندن در یک رابطه زناشویی بدون طلاق، جدایی فیزیکی یا جدایی قانونی است و شامل پذیرش و درک یکدیگر، دانستن علایق و دیدگاه‌های مشترک جهت مواجهه با مسائل و حفظ همبستگی و صمیمیت است (میتچل و پلاوچ، ۲۰۱۸، به نقل از محمدی و صداقتی‌فرد، ۱۴۰۲). درک و شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج‌های پایدار و رضایت‌مندی می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر ازدواج‌ها باشد و به سلامت جامعه کمک نماید (کرای و همکاران، ۱۳۹۵).

نادیده‌گرفتن عوامل زمینه‌ای، فردی، همسرگزینی و زوجی به عنوان عوامل خطر ساز ازدواج چه در هنگام انتخاب همسر و چه در طول زندگی مشترک می‌تواند پایداری ازدواج را به خطر انداخته و تداوم این بی‌توجهی نیز می‌تواند فروپاشی و جدایی زوج‌ها را به دنبال داشته باشد. اولین عامل خطر ساز، عامل خانواده اصلی است. عواملی همچون عدم تمایز یافتگی، سبک دلبستگی ناایمن و عدم تنظیم رابطه با والدین و اطرافیان از

خرده مؤلفه‌های خطر ساز خانواده اصلی است. از عوامل دیگر خطر ساز در پایداری زناشویی، عدم توجه به عامل فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر خانواده، مسائل فردی و شخصیتی و اخلاقی، نداشتن کفایت عقلی یا همان بلوغ عقلی، مسائل جنسی، مشکلات مالی و معیشتی، نداشتن مهارت ارتباط مؤثر و موضوع فرزندآوری، تربیت فرزند است. (کیانی، نوایی نژاد، احمدی و تقوایی، ۱۳۹۹).

بوئن^۱ واضع نظریه سیستم‌های خانواده، مفهوم تمایزیافتگی را بیان کرد که بر روابط اولیه در خانواده تأکید کرده و آن را بر روابط بعدی مؤثر می‌داند. درجه ظهور تمایزیافتگی در هر فرد بیانگر میزان توانایی فرد برای جداسازی فرایند شناختی از فرایند احساسی هیجانی است که فرد تجربه می‌کند، یعنی درجه توانایی برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات و عواطف (یوسفی و همکاران، ۲۰۰۹) تمایزیافتگی بیان‌های صمیمیت و پذیرفتن دوسویه را در ازدواج بررسی می‌کند. انتظار می‌رود همسرانی که سطح تمایزیافتگی پایینی دارند، در زمان ازدواج، بلوغ هیجانی کمتر و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. (پارساکیا، فرزاد و رستمی ۲۰۳۳، به نقل از محمدی و صداقتی فرد ۱۴۰۲). در سیستم‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی انعطاف پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تجربه کنند (کر و بوئن، ۱۹۷۸).

گلید^۲ (۲۰۰۰) در پژوهشی رابطه منفی و قوی بین تمایزیافتگی بالا و تعارضات و تعارضات زناشویی را نشان داد. نیز در پژوهشی نشان دادند، بنابراین می‌توان گفت، کسانی که تمایزیافتگی بالایی دارند، در طول زمان مشکلات روانی و تعارضات بین فردی کمتری نسبت به افراد تمایز پایین دارند (اسکورون، استنلی و شاپیرو ۲۰۰۹). قمری کیوی، شیخ‌الاسلامی و صمدی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند، بین رضایت زناشویی و تمایزیافتگی خود رابطه وجود دارد و تمایزیافتگی خود، در سازگاری زوج‌ها، نقش ایفا

می‌کند و پژوهش‌های دیگر بیانگر آن است که تمایز یافتگی خود با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معنا دارد و افراد دارای سطح تمایز یافتگی بالا، احساس شرم کمتر، ثبات و تعهد زناشویی بیشتری دارند. (زارعی، میرزایی و صادقی فرد ۱۳۹۷). به نقل از محمدی و صدافتی فرد (۱۴۰۲) در پژوهشی نشان دادند که تمایز یافتگی خود، قادر به پیش بینی ثبات زناشویی است.

اختلاف زناشویی باعث می‌شود سازگاری زوج‌ها دچار تزلزل گردد در چنین موقعیتی، توافقات قبلی بر سر مسائل خاص به تعارضات جدی تبدیل می‌شود و اختلافات جایش را خواهد گرفت و احتمال سقوط زندگی زوج‌ها آرام‌آرام به سمت طلاق عاطفی پیش خواهد رفت. در صورتی که شاید بتوان با یا سری تغییرات در باورها و نگرش‌ها، مسیر نرمال زندگی را به سمت تعادل پیش برد، پشتیبانی از خانواده در برابر ازم‌گسیختگی و حالات آن، به عنوان معیاری برای پیشرفت، تمدن و تعالی مادی و معنوی انسان امری ضروری است.، بنابراین، یکی از تکالیف زوج درمانگران، یافتن عوامل مؤثر بر سازگاری زوج‌ها و تقویت این عوامل است. این رویکرد بر آزادی و مسئولیت فرد تأکید می‌کند و رفتار را به عنوان یک مسئولیت‌پذیری که توسط فرد انجام می‌شود، تعریف می‌کند و این بر سلامت روان وی تأثیر بسزایی می‌گذارد. (بشارت قراملکی و همکاران ۱۴۰۰).

ناسازگاری زناشویی در جامعه ما روند رو به رشدی دارد به طوری که معضل اختلالات زناشویی بیشتر از هر طبقه تشخیصی روان‌پزشکی دیگر، دلیل مراجعه مراجعان به مراکز مشاوره است بنابراین چاره‌اندیشی در راستای تحکیم بنیان خانواده از جمله اموری است که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود معطوف کرده است. بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی از این نظر اهمیت دارد که با شناخت این عوامل، می‌توان راه‌هایی به منظور تثبیت هرچه بیشتر زندگی زناشویی پیشنهاد کرد، همچنین ریشه بسیاری از مشکلات خانوادگی به عواملی مرتبط می‌شود که به طور

مستقیم یا غیرمستقیم بر سازگاری زناشویی تأثیر دارند (علی بکیان و افشاری نیا ۱۳۹۸). ازدواج‌های باثبات و باکیفیت تأمین‌کننده سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی‌اند و از سوی دیگر، تعارضات زناشویی و طلاق تهدیدهای جدی برای زندگی زناشویی است که پایداری و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و منجر به بروز پیامدهای منفی روانی، بدنی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد، از جمله این پیامدها، تأثیرات منفی هستند که بر سلامت بدنی، افسردگی و بهره‌وری پایین در کار اثر می‌گذارند. (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۵).

فرایندهای تعاملی به طور مستقیم می‌توانند بر ایجاد رضایت مندی و پایداری زناشویی نقش داشته باشند. فرایندهای تعامل زناشویی رفتارهایی هستند که در بافت رابطه و پویایی‌های بین فردی محقق می‌شوند و در نهایت بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. از جمله فرایندهای تعاملی: مدیریت تعارض، بیان عاطفی و صمیمیت جنسی و روان‌شناختی می‌باشد (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۵). نتایج پژوهش‌های هولمن و همکاران^۱ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد یکی از عوامل مهم در پیش‌بینی رضایت و پایداری زناشویی، مدیریت تعارض بین زوج‌ها است (ملکی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از ملزومات کمک به زوج‌ها برای حل تعارضات زناشویی به‌عنوان یکی از عوامل فرایندهای تعاملی زوج‌ها، شناخت عوامل و علل مؤثر بر نارضایتی و رضایت زناشویی است. رضایت یا نارضایتی زناشویی تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و هیجانانگیز قرار دارد (سلیمانیان و محمدی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین مدیریت تعارض یکی از عوامل مؤثر و قوی بر رضایت زناشویی است (گاتمن ۲۰۱۴).

در دنیای امروز، روابط عاطفی و زناشویی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود و سلامت آن‌ها بر کیفیت کلی زندگی تأثیرگذار است. سبک‌های

دلبستگی به عنوان الگوهای پایدار روابط بین فردی، نقش کلیدی در شکل‌گیری روابط عاطفی ایفا می‌کنند. این سبک‌ها که از تجربیات اولیه کودکی نشأت می‌گیرند، بر تمایزیافتگی خود (توانایی حفظ تعادل بین خودمختاری و وابستگی عاطفی) و انعطاف‌پذیری شناختی (توانایی تغییر دیدگاه‌ها و سازگاری با موقعیت‌های جدید) تأثیر می‌گذارند. در نهایت، این عوامل بر صمیمیت زناشویی (حس نزدیکی عاطفی و جنسی بین زوج‌ها) اثرگذار هستند. مطالعه حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با تمایزیافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در دانشجویان انجام شده است (آقایی و موسوی، ۱۳۹۹).

به نظر می‌رسد که ساختار و ویژگی‌های روابط متعهدانه و استحکام ازدواج در جوامع غربی با ایران تفاوت داشته باشد از جمله در فرآیند تشکیل رابطه زناشویی خانواده هسته‌ای مذهب و مسائل فرهنگ، بنابراین تعریف تعهد و تداوم ازدواج در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و از آنجایی که در جامعه ما محققین بیشتر دید آسیب‌شناختی به مسائل زناشویی دارند و کمتر سراغ زوجه‌های موفق می‌روند تا نظرات و تجربیات آن‌ها درباره علل دوام و پایداری ازدواجشان را جویا شوند؛ و اینکه برای پایداری و حفظ تعهد زناشویی از چه رفتارها و مهارت‌های استفاده می‌کنند؛ این پژوهش درصدد است تا با تحلیل و توصیف تجربه تعهد در زوجه‌های مختلف و دارای تعهد و استحکام زناشویی از طریق مصاحبه تصویری از اینکه تعهد چگونه شکل می‌گیرد و حفظ می‌شود را به دست آورد تا از طریق مؤلفه‌های شناسایی شده راهنمایی برای زوج‌های جدید و کارشناسان مربوط به حوزه خانواده و ازدواج باشد. (قرلسفلو و همکاران، ۱۳۹۶)

بین مهارت‌های ارتباطی زوج‌ها و مدیریت حل تعارض رابطه معناداری وجود دارد. (ابراهیم‌پور، دلاور و همکاران، ۱۳۹۸). نتایج پژوهش اکبری، عارفی و مرادی (۱۴۰۲) نیز نشان داد که پایداری و سازگاری زناشویی بر اساس خصایص زناشویی با نقش واسطه‌ای مدیریت تعارض رابطه معنادار و مثبت دارد.

تمایز یافتگی خود و خوش بینی با مسئولیت پذیری و رضایت زناشویی رابطه معنی داری دارد. همچنین، از بین دسته متغیرهای پیش بین، تمایز یافتگی خود و از بین متغیرهای ملاک، مسئولیت پذیری سهم بیشتری را در پیش بینی متغیرهای دسته خود داشتند (همائی و دشت بزرگی، ۱۴۰۰).

یکی از عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی، تمایز یافتگی خود است، تمایز یافتگی به توانایی حفظ هویت و استقلال فردی در عین صمیمیت با همسر اشاره دارد. زوج‌هایی که از تمایز یافتگی بالاتری برخوردارند، بهتر می‌توانند تعارض‌ها را مدیریت کرده و واکنش‌های هیجانی خود را کنترل کنند، در حالی که تمایز یافتگی پایین با مشکلات ارتباطی و افزایش نارضایتی زناشویی همراه است. (احمدی و همکاران، ۲۰۲۴)

تعارضات زناشویی اغلب ریشه در تجربیات دوران کودکی و الگوهای ارتباطی آموخته شده در خانواده دارند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که دخالت‌های خانوادگی، ساختارهای کنترل‌گر، و فقدان حمایت عاطفی از سوی خانواده، موجب بروز و تداوم تعارضات میان زوج‌ها می‌شوند. (اسمعیلی و همکاران، ۲۰۲۵)

اختلافات زناشویی معمولاً از عوامل روان‌شناختی، جنسیتی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شوند، پیامدهای تعارض زناشویی می‌تواند شامل استرس، افسردگی، غم، نگرانی از نظر دیگران و احساس ناامیدی باشد. راهبردهای مدیریت تعارض معمولاً شامل همکاری، مصالحه، اجتناب، پذیرش و کمک گرفتن از شخص ثالث هستند. (عسکرشاهی و همکاران، ۲۰۲۵)

در سال‌های اخیر و افزایش روزافزون تعارضات و پیامدهای آن بر ساختار افراد و جامعه و فقدان تعهد و سازگاری در زوج‌ها، اهمیت بررسی روابط زوج‌ها را برجسته‌تر ساخته است. با توجه به اینکه پژوهش‌های دیگر، روابط را به صورت خطی و رگرسیون بررسی کردند. پژوهش حاضر به دنبال روابط چندگانه و غیرمستقیم تمایز یافتگی با پیامدهاست که به نقش واسطه‌ای مدیریت تعارض می‌پردازد. از این رو پژوهش حاضر به

دنبال ارائه مدل و پیش‌بینی پایداری زناشویی بر اساس تمایز یافتگی با میانجیگری مدیریت تعارض در زوج‌ها است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متأهل کرمانشاهی بوده که در سال ۱۴۰۳ در شهر کرمانشاه زندگی می‌کردند به منظور تعیین نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. افراد نمونه والدین مدارس متوسطه اول ناحیه ۱ شهر کرمانشاه بودند برای شناسایی افراد از سه ناحیه، ناحیه ۱ انتخاب شد. از بین ۳۶ کلاس پایه اول متوسطه اول، ۸ کلاس که در ۸ مدرسه بودند پرسش‌نامه‌ها را پر کردند. براین اساس تعداد نمونه ۲۱۱ نفر زن تعیین گردید که در نهایت اطلاعات ۲۰۰ نفر بر اساس طرح کفایت نمونه در معادلات ساختاری وارد تجزیه و تحلیل شدند.

ملاک‌های ورود پژوهش حاضر شامل وضعیت ازدواج (متأهل) جنسیت (زن) و داشتن حداقل سواد دیپلم برای فهم پرسش و پرسش‌نامه‌ها و ملاک خروج شامل رضایت نداشتن برای شرکت در مطالعه بود. سپس داده‌های مورد نیاز برای بررسی اهداف و زمینه‌های پژوهش از پرسش‌نامه‌ها استخراج و تحلیل آماری شد به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادله‌های ساختاری با رویکرد تحلیل مسیر توسط نرم‌افزار Spss 29 و Smart plus3 استفاده شد.

ابزار

پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود (DSI)

فرم اولیه این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلنور ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت مورد تجدید نظر قرار گرفت. پرسش‌نامه نهایی آن توسط جکسون در ۴۶ ماده بر مبنای نظریه بوئن ساخته شد (اسکورن و اسمیت ۲۰۰۳)

آیتم‌های این پرسش‌نامه در یک طیف لیکرت از یک (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس شامل ۴ خرد مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت من، گسلش‌های عاطفی و آمیختگی با دیگران است. حداکثر نمره واقعی ۲۷۶ است. نمره کمتر این پرسش‌نامه نشانه سطوح پایین‌تر تمایز یافتگی است. ضریب آلفای گزارش شده توسط اسکورون و فریدلندر ((1394 برای پرسش‌نامه‌های تمایز یافتگی خود ۰/۸۸ است. یونسی (۱۳۸۵) ضرایب پایایی این پرسش‌نامه را به روش آلفای یک ۰/۸۵ مقایسه کرد که پایایی بالای این پرسش‌نامه را نشان می‌دهد در پژوهش جهان‌بخشی و کلانترکوشه (۱۳۹۱) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ و برای خرد مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه گردید. در این پژوهش ضریب آلفای همسانی درونی برای پرسش‌نامه تمایز یافتگی ۰/۷۷ به دست آمد که نشان دهنده ی پایایی بالای آن می‌باشد. دارای روایی تایید شده (سازه، همگرا و ملاکی) نیز می‌باشد.

پرسش‌نامه عدم پایداری زناشویی^۱ (MII)

شاخص عدم ثبات زناشویی توسط ادواردز و همکاران (۱۹۸۷) ساخته شده است. شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار چهارده سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن تدوین شده است. این ابزار متکی بر این نظر است که برای ارزیابی بی‌ثباتی و خطر بالقوه طلاق زن و شوهر باید هم شناخت و هم رفتار به حساب آورده شود. شاخص بی‌ثباتی ازدواج اولین بار ۱۹۸۰ در مورد ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و با ۵۷۸ (۷۸٪) از این نمونه در سال ۱۹۸۳ به کار گرفته شد. عملاً هیچ معیار و یا اطلاعات جمعیت‌نگاری دیگری گزارش نشده است. این آزمون در ایران توسط یاری پور (۱۳۷۹) روی ۵۰ زوج متقاضی طلاق در محاکم دادگستری استان قم که

به مرکز مداخلات مشاوره خانواده ارجاع داده شده بودند (به عنوان گروه آزمایشی) و ۵۰ زوج غیر ارجاعی بر اساس احتمال طلاق بالا (به عنوان گروه کنترل) اجرا شد. شاخص بی ثباتی ازدواج با ضریب آلفای ۹۳٪ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. ضریب آلفا کرونباخ برای این آزمون در پژوهش یاری پور ۹۵٪ به دست آمد که نشانه‌ی اعتبار قابل قبول است. شاخص بی ثباتی ازدواج از روایی پیش بینی بسیار خوبی برخوردار است. از گروه نمونه‌ای که در سال ۱۹۸۰ هیچ نشانه‌ای از بی ثباتی روانی نشان نداده بودند فقط ۳ درصد در سال ۱۹۸۳ به ازدواج خود پایان دادند (یاری پور، ۱۳۷۹).

پرسش‌نامه مدیریت تعارض (ENRICH)

در پژوهش حاضر جهت سنجش مدیریت تعارض از خرده مقیاس مدیریت تعارض پرسش‌نامه انریچ (۱۹۸۲) استفاده شد. خرده مقیاس‌های مدیریت تعارض شامل پذیرا بودن و تمایل فرد در حل تعارض به طور سازنده است. ضریب آلفای پرسشنامه‌ی انریچ در گزارش اولسون^۱، فورنیر و دراگمن (۱۹۸۹) برای خرده مقیاس حل تعارض ۰٫۷۵ است (اولسون و همکاران، ۱۹۹۳). در پژوهش مهدویان ضریب همبستگی پیرسون در روش باز آمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰٫۹۳۷، برای زنان ۰٫۹۴۴ و برای گروه مردان و زنان ۰٫۹۴ به دست آمد. این ضرایب در همین پژوهش برای خرده مقیاس حل تعارض ۰٫۷۶ است (مهدویان ۱۳۷۶). ضرایب همبستگی پرسشنامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰٫۴۱ تا ۰٫۶ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰٫۳۲ تا ۰٫۴۱ است که نشانه‌ی روایی سازه‌ی آن است. کلیه‌ی خرده مقیاس‌های پرسشنامه‌ی انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است.

یافته‌ها

این پژوهش، بر روی ۲۰۰ نفر از زوج‌های شهر کرمانشاه انجام شد. در بین این افراد، ۵۷ نفر (۲۸/۵ درصد) سن ۲۰ تا ۳۰ سال، ۸۳ نفر (۴۱/۵ درصد) ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۹ نفر (۱۹/۵ درصد) سن ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۱ نفر (۱۰/۵ درصد) بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند. در بین اعضای نمونه ۲۴ نفر (۱۲/۰ درصد) تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم؛ ۶۱ نفر (۳۰/۵ درصد) تحصیلات کارشناسی؛ ۷۵ نفر (۳۷/۵ درصد) تحصیلات کارشناسی ارشد و ۴۰ نفر (۲۰/۰ درصد) تحصیلات دکتری داشتند. برای متغیرهای مورد بررسی یعنی تمایزیافتگی خود، مدیریت تعارض و ثبات زناشویی میانگین به ترتیب برابر با ۱۶۹/۸۴، ۲۳/۷۳ و ۴۷/۹۵ بود و این میزان به ترتیب برای این متغیرها برای انحراف معیار برابر با ۹/۴۱۱، ۲/۴۵۶ و ۴/۳۸۹ بود.

در ادامه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش از تحلیل مسیر معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS استفاده شده است. جهت بررسی روایی همگرا و پایایی متغیرهای پژوهش از مقدار میانگین واریانس استخراج شده^۱ برای متغیرهای مکنون که بالاتر از ۰/۵ (برای روایی همگرا) و جهت تعیین پایایی^۲ پرسش‌نامه از معیارهای (ضریب آلفای کرونباخ^۳، ضریب پایایی مرکب^۴ و ضریب پایایی همگون) استفاده شد؛ بنابراین می‌توان گفت که روایی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری مطلوب می‌باشد. همچنین میزان پایایی باید بالاتر از ۰/۷ باشد که در این پژوهش این میزان برای متغیرها در حد مطلوب است.

1. Mean variance extracted
2. Reliability
3. Coefficient of Cronbach's alpha
4. Coefficient of Composite Reliability

جدول ۱. مقادیر روایی و پایایی مربوط به هر یک از متغیرها

متغیر	روایی	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	ضریب پایایی همگون Rho
تمایز یافتگی خود	۰/۵۵۰	۰/۸۸۱	۰/۹۰۶	۰/۸۹۹
مدیریت تعارض	۰/۵۷۰	۰/۸۳۲	۰/۸۷۳	۰/۸۵۰
ثبات زناشویی	۰/۵۰۸	۰/۹۳۴	۰/۹۴۲	۰/۹۳۶

جدول ۱ بررسی روایی و آگرایی مدل پژوهش را نشان می‌دهد. روایی و آگرا، اندازه‌ای است که یک سازه به درستی از سایر سازه‌ها با معیار تجربی متمایز می‌شود. این روایی در دو سطح معرف و متغیر مکنون محاسبه می‌شود. در سطح معرف برای محاسبه روایی و آگرا، از بارهای عرضی استفاده می‌شود که لازم است بار یک معرف متناظر سازه، بیشتر از همه بارهای آن معرف روی سایر سازه‌ها باشد. در سطح متغیر مکنون از معیار فورنل-لارکر استفاده شد که ریشه دوم میانگین واریانس استخراج شده (AVE)، هر متغیر مکنون باید بیشتر از بالاترین همبستگی آن سازه با سایر سازه‌های مدل باشد، یعنی مقدار جذر میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای مکنون در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آنها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند بیشتر باشد. منطق این سازه این است که یک سازه باید واریانس بیشتری با معرف‌های خود تا سایر سازه‌ها داشته باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱).

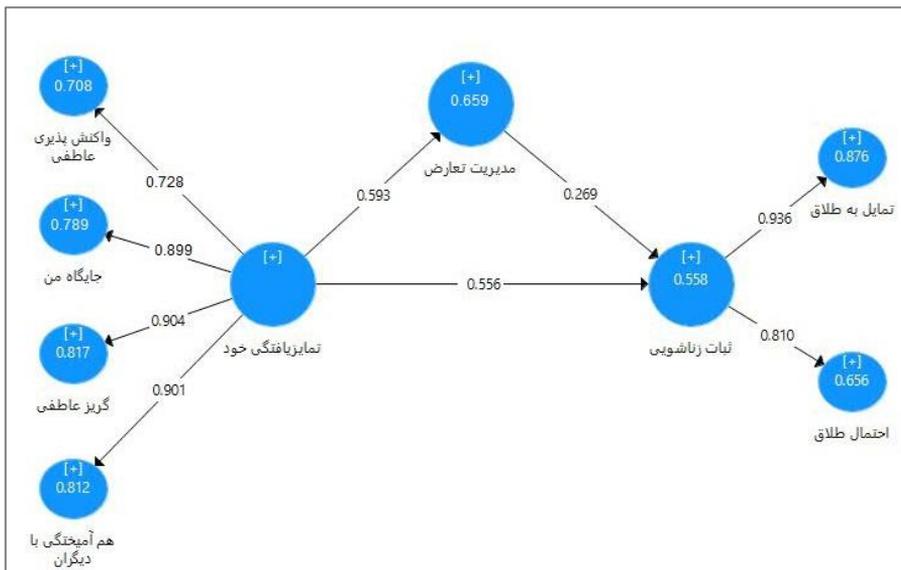
نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پژوهش روایی و آگرایی قابل قبولی دارند. در ادامه مدل درونی (ساختاری) پژوهش بررسی می‌گردد.

جدول ۲. بررسی روایی و آگرایی مدل پژوهش

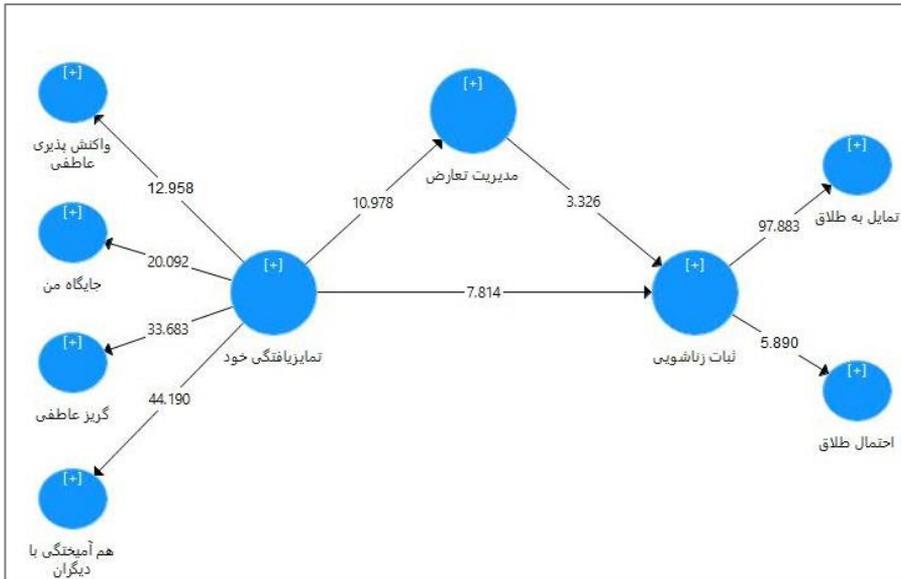
ردیف	تمایز یافتگی خود	مدیریت تعارض	ثبات زناشویی
تمایز یافتگی خود	۰/۷۴۲		
مدیریت تعارض	۰/۶۳۶	۰/۶۸۶	
ثبات زناشویی	۰/۷۴۰	۰/۶۲۰	۰/۷۱۳

- یافته‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری (Smart-PLS)

در این قسمت با بیان فرضیات تحقیق و استفاده از نتایج آزمون مدل ساختاری در پی آزمون فرضیات تحقیق و تحلیل نتایج حاصل هستیم. برای تحلیل و سنجش مدل این تحقیق از تحلیل داده‌ها به وسیله مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. مدل‌یابی معادلات ساختاری، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون (مشاهده نشده) و متغیرهای آشکار (مشاهده شده) است. به منظور تحلیل مدل مفهومی پژوهش از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس^۱ استفاده شد.



شکل ۱. مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر بارهای عاملی و ضرایب مسیر (بتا)



شکل ۲. مدل ساختاری نهایی پژوهش با مقادیر بحرانی (آماره تی)

جدول ۳. نتایج شاخص‌های هم خطی

متغیرها	VIF
تمایز یافتگی خود	۲/۶۰۷
مدیریت تعارض	۱/۶۴۷
ثبات زناشویی	۱/۶۰۱

در بخش مدل درونی، ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش مورد تحلیل قرار می‌گیرد. اولین معیار برای بررسی مدل درونی، بررسی عدم هم خطی بودن متغیرهاست که به این منظور از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. VIF بالاتر از ۵، نشان دهنده هم خطی بودن بین متغیرها است که با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود شرط عدم هم خطی برای هر متغیر رعایت شده است.

جدول ۴. نتایج اثرات مستقیم، غیر مستقیم، کل و اندازه اثر مدل درونی پژوهش

ارزش T	ضریب تأثیر (β)	فرضیات
۷/۸۱۴	۰/۵۵۶	تمایزیافتگی خود ← ثبات زناشویی
۱۰/۹۷۸	۰/۵۹۳	تمایزیافتگی خود ← مدیریت تعارض
۳/۳۲۶	۰/۲۶۹	مدیریت تعارض ← ثبات زناشویی
۴/۹۲۵	۰/۷۱۶	تمایزیافتگی خود ← مدیریت تعارض ← ثبات زناشویی

اولین معیار، نتایج تحلیل مسیر معادلات ساختاری نشان داد که تمایزیافتگی خود و ثبات زناشویی با ضریب مسیر ۰/۵۵۶ و مقدار بحرانی ۷/۸۱۴، تمایزیافتگی خود و مدیریت تعارض با ضریب مسیر ۰/۵۹۳ و مقدار بحرانی ۱۰/۹۷۸، مدیریت تعارض و ثبات زناشویی با ضریب مسیر ۰/۲۶۹ و مقدار بحرانی ۳/۳۲۶، تمایزیافتگی خود و ثبات زناشویی با نقش میانجی مدیریت تعارض با ضریب مسیر ۰/۷۱۶ و مقدار بحرانی ۴/۹۲۵ رابطه داشته است.

دومین معیار ارزیابی مدل درونی، ضرایب مسیر هستند که به منظور بررسی معنی داری آن‌ها از رویه خودگردان سازی استفاده شده که این ضرایب به همراه مقدار آماره T متناظر خود، سطح معنی داری و همچنین فاصله اطمینان برای اثرات مستقیم در جدول ۴ آورده شده است.

سومین معیار ارزیابی مدل محاسبه شاخص نیکویی برازش مدل در حداقل مجذورات جزئی است. در مدل سازی معادلات ساختاری به کمک روش Pls بر خلاف روش کوواریانس محور شاخصی برای سنجش کلی مدل وجود ندارد. ولی شاخصی به نام نیکویی برازش (GOF) توسط تننهاوس و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد شد. این شاخص هر دو مدل اندازه گیری و ساختاری را مدنظر قرار می دهد و به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد کلی مدل به کار می رود. حدود این شاخص بین صفر و یک قرار بوده و وتزلس و

همکاران سه مقدار ۰٫۱ تا ۰٫۲۵، ضعیف، ۰٫۲۵ تا ۰٫۳۶، متوسط و بیشتر از ۰٫۳۶، قوی برای GOF معرفی نمودند. این شاخص به صورت میانگین R^2 و متوسط شاخص مقادیر اشتراکی به صورت دستی محاسبه می‌شود:

جدول ۵. نتایج برازش کلی مدل با معیار GOF

متغیرهای درون‌زا	R^2	Communality	GOF
تمایزیافتگی خود	۰/۷۱۳	۰/۴۹۵	$GOF = \sqrt{0.643 * 0.415} = 0.516$
مدیریت تعارض	۰/۶۵۹	۰/۳۳۷	
ثبات زناشویی	۰/۵۵۸	۰/۴۱۳	

شاخص GOF این مدل، ۰/۵۱۶ قرار گرفت مشخص شد که مدل مورد بررسی از برازش مطلوبی برخوردار است (جدول شماره ۵) و فرضیه‌های مورد بررسی تأیید گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی مدل علیّ پایداری زناشویی بر اساس تمایزیافتگی با میانجی‌گری مدیریت تعارض بود. از میان والدین دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول ناحیه یک کرمانشاه تعداد ۲۰۰ نفر (زن متأهل) به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان مقیاس مدیریت تعارض انریچ، پرسش‌نامه خود اسکورون و اسمیت و پرسش‌نامه ثبات زناشویی ادواردز و همکاران را تکمیل کردند. به طور کلی نتایج، انتظارات پژوهشگر را برآورده است.

نتایج نشان داد تمایزیافتگی خود و ثبات زناشویی با ضریب مسیر ۰/۵۵۶، تمایزیافتگی خود و مدیریت تعارض با ضریب مسیر ۰/۵۹۳، مدیریت تعارض و ثبات زناشویی با ضریب مسیر ۰/۲۶۹ و تمایزیافتگی خود و ثبات زناشویی با نقش میانجی

مدیریت تعارض با ضریب مسیر ۰/۷۱۶ رابطه داشته است. براین اساس مدیریت تعارض به عنوان میانجی گر رابطه پیامدهای مثبت زناشویی بر اساس تمایزیافتگی عمل می کند. این یافته مؤید نتایج پژوهش های پیشین است. ارتباط مثبت تمایزیافتگی خود و ثبات زناشویی در این پژوهش همسو با نتایج محمدی و صداقتی فرد (۱۴۰۳)، غلامعلی پورجا غرق (۱۴۰۰) پارساکیا و رستمی (۲۰۲۳)؛ تلی و کلر (۲۰۲۱)، هولمن و جاروس (۲۰۲۰) است. تمایزیافتگی به طور مثبتی با رشد روانی - اجتماعی در دوران جوانی ارتباط دارد. به طور ویژه افرادی که هیجانی هستند کمتر قابل اعتماد هستند، تردید بیشتری را تجربه کرده و هویت متزلزلی دارند. به طور کلی زوج هایی که واکنش پذیری عاطفی و گسلس های عاطفی کمتری دارند و قادرند از عقاید خود، دفاع کنند، میزان بالاتری از سازگاری و ثبات زناشویی را تجربه می کنند. (محمدی و صداقتی فرد، ۱۴۰۲) براساس نتایج به دست آمده از نظریه بوئن، می توان گفت افرادی که تمایزیافته تر هستند، معمولاً در تصمیم گیری ها و تعارضات ارتباطی به جای تهییج طلبی و واکنش پذیری ناشناخته به طور منطقی تر و عاقلانه تر رفتار می کنند و به طور خاص، در زندگی زناشویی همسران چنین افرادی به خاطر رفتارهای قابل پیش بینی و عقلانیت بر مسیر حل تعارض قابل اعتمادتر و امیدوارتر برخورد کنند، چنین رویه ای امید به زندگی زناشویی و تثبیت زندگی را بیشتر می کنند.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد بین تمایزیافتگی خود و مدیریت حل تعارض زوج ها در زنان متأهل رابطه معنا دار وجود دارد. این یافته همسو با نتایج بین آرین فرو و جیهه باقری حسین آبادی (۱۴۰۲)، تلی و کلر (۲۰۲۳) و هاشمی نیک و همکاران (۱۴۰۰) بود. چرا که در پژوهش های مذکور ارتباط این متغیرها تأیید شده است. برای تبیین این نتایج می توان گفت افراد تمایزیافته معمولاً تصمیم گیری و رفتار آن ها در مواقع تعارض و بگو مگوی زناشویی به طور عینی و منطقی از سبک حل تعارض اعتباربخش استفاده

می‌کنند، بنابراین نظرگاتمن (۲۰۱۸) زن و شوهرایی که از سبک اعتباربخش در تعارضات زناشویی استفاده می‌کنند به نظرات طرف مقابل توجه کرده و سعی می‌کنند تعارضات، منجر به تخریب رابطه زناشویی نشود و چنین سبکی، رابطه زناشویی را سرزنده و سالم نگه می‌دارد. این افراد، قادرند مسئولیت رفتارشان را بپذیرند، در واقع هر دو طرف مسئولیت نتیجه را مشترکاً می‌پذیرند و در زندگی زناشویی تعارض کمتری دارند. (تلی و کلر، ۲۰۲۳)

تمایزیافتگی اگر به معنای مدیریت هیجان‌ات و عدم واکنش‌پذیری زیاد باشد، زوج‌هایی که تمایزیافتگی بالایی دارند به خوبی احساسات خود را مدیریت می‌کنند و این مهارت سبب شکل‌گیری و تحول مدیریت تعارض می‌شود و این باعث می‌شود زندگی زناشویی به وضعیت پایدارتری قرار بگیرد. همان‌طور که عارفی، رحیمی و شیخ اسماعیلی (۱۳۹۵) بیان می‌کنند، ویژگی‌های زوج‌های تمایزیافته موجب قوام رابطه زن و شوهر و افزایش سازگاری زناشویی می‌شوند و افراد زمانی به پختگی و خود شکوفایی که از مفروضات شبکه سالم زناشویی است می‌رسند که از دل‌بستگی‌های عاطفی ناگشوده خانواده اصلی‌رهایی یابند. بوئن معتقد است افرادی که تمایز کمتری دارند، انعطاف‌پذیری کمتری دارند. آن‌ها احتمالاً در برابر اضطراب مزمن زندگی زناشویی بیشتر آسیب‌پذیرند و توانایی استفاده از راه‌حل منطقی در رفع مشکلات زندگی را ندارند. (کر و بوئن، ۱۹۸۸)

یافته‌های نهایی پژوهش حاضر که حاصل برازش مدل است، نشان داد مدیریت تعارض به‌عنوان میانجی‌گر رابطه پیامدهای مثبت زناشویی بر اساس تمایزیافتگی عمل می‌کند که همسو با نتایج اکبری و عارفی (۱۴۰۲)، یزدانی و همکاران (۱۳۹۹)، نیک نژاد و عسگری (۱۳۹۸) است. وجود اختلاف و تعارض امری عادی بین زوج‌ها است و هیچ خانواده‌ای از آن مستثنا نیست. (هاشمی نیک و همکاران، ۱۴۰۰) تعارض در رابطه زناشویی زمانی به وجود می‌آید که زوج‌ها در زمینه همکاری و نیز تصمیم‌های مشترک درجات متفاوتی از

استقلال و همبستگی داشته باشند. (اونال و الگون، ۲۰۲۲) تمایزیافتگی خود یکی از مواردی است که طی سال‌های اخیر، در پژوهش‌ها به ظرفیت بالقوه چشمگیری را برای کاهش تعارض‌های زوج‌ها از خود نشان داده است. (هاشمی نیک و همکاران، ۱۴۰۰) براساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت، افرادی که دارای سطح تفکیک و تمایز بالاتری هستند، به خاطر تجربه اضطراب کمتر و برخورد عقلانی و حل مسأله محور (کر و بوئن، ۱۹۸۸) به نقل از نبوی و همکاران (۱۳۹۳) معمولاً در تعارضات، رفتار انعطاف‌پذیرتری دارند و در لحظه‌های سخت تعارض بر احساسات خویش تسلط داشته و با سبک اعتبار بخش، به دنبال حل و فصل مشکلات ارتباطی با همسر هستند. از طرفی با توجه به کثرت تعارض در رابطه زناشویی چنین همسرانی زندگی زناشویی پایداری خواهند داشت.

نتایج این پژوهش مشخصاً به مشاوران خانواده و ازدواج کمک خواهد کرد تا با آموزش مهارت‌های بین‌فردی، مدیریت تعارض و تبیین نقش کنترل هیجان و تمایزیافتگی خود برای مراجعین در جهت ارتقای کیفیت زندگی زناشویی و رضایت و پایداری زناشویی گام مثبت بردارند. همچنین طراحی مدل‌هایی با متغیرهای پیش‌بین و واسطه‌ای مشابه برای پیش‌بینی و واسطه‌ای مشابه برای پیش‌بینی تعارضات زناشویی مفید خواهد بود.

این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت که یکی از آن محدودیت‌های نمونه به زنان متأهل شهر کرمانشاه است؛ لذا تعمیم آن به دیگر شهرهای کشور به دلیل زمینه فرهنگی و اجتماعی، نتایج قابل‌مقایسه‌ای را به همراه خود داشت. محدودیت‌های دیگر در پژوهش حاضر تعداد پرسش‌نامه و سؤال‌ها به خاطر وجود چندین متغیر بود. هر چند در بیشتر موارد از پرسش‌نامه‌های کوتاه استفاده شد، ولی با این وجود تعداد سؤال‌ها ممکن است باعث خستگی شرکت‌کنندگان شده باشد.

پیشنهاد می‌شود به منظور کمک به پایداری و تقویت رابطه زناشویی زوج درمانگران در مداخلات درمانی خویش، در عین آموزش تمایز یافتگی، مهارت مدیریت تعارض را در بستر درمانی خویش لحاظ کنند و همچنین با برگزاری دوره‌های مناسب در مدارس برای والدین به سبک‌های حل تعارض زوج‌ها، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان آموزش داده شود تا خانه تبدیل به محیطی امن برای دانش‌آموزان و والدین آنها شود. بهتر است در پژوهش‌های آتی علاوه بر پرسشنامه، از سایر ابزارهای اندازه‌گیری همچون مصاحبه‌های بالینی استفاده شود.

موازن اخلاقی: رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه‌ی شرکت‌کنندگان صورت گرفت و درباره‌ی محرمانه بودن نتایج به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد.

سهم نویسندگان: نویسنده اول مسئول نظارت بر اجرای طرح پژوهش و تحلیل داده‌ها و ویرایش نهایی مقاله بوده و نویسنده دوم در تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله نقش داشته است.

حمایت مالی: از طرف هیچ نهاد، فرد یا سازمانی حمایت مالی صورت نگرفته است.
تعارض منافع: یافته‌های این مطالعه، هیچ‌گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد.
سپاسگزاری: از همه‌ی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر و تمامی افرادی که در اجرای این پژوهش ما را یاری کردند، سپاسگزاریم.

منابع

ابراهیم‌پور دلاور، حسینعلی؛ خالق‌خواه، علی؛ و زاهد‌بابلان، عادل. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های ارتباطی بر سبک‌های مدیریت تعارض معلمان مقطع دبیرستان شهرستان بابل. نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. ۲۰(۲): ۷۸-۸۹.

<https://doi.org/10.30486/jsrp.2019.665280>

آقایی، آلاله؛ و موسوی، سیده مریم. (۱۳۹۹) رابطه سبک‌های دلبستگی با تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیری

شناختی و صمیمیت زناشویی در دانشجویان. رویش روان‌شناسی، ۹ (۲)، ۱-۸.

اکبری، فرشته؛ عارفی، مختار؛ و مرادی، امید. (۱۴۰۲). تدوین مدل علی پایداری و رضایت زناشویی بر اساس خصایص زناشویی با میانجی‌گری مدیریت تعارض. فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۱۸ (۶۲): ۱۹۳-۱۷۳.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26454955.1402.18.62.7.1>

بشارت قراملکی، رباب؛ پناه‌علی، امیر؛ و حسینی‌نسب، میرداوود. (۱۴۰۰). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر واقعیت‌درمانی و بخشایش‌درمانی به شیوه گروهی بر سازگاری زناشویی، تمایزیافتگی عاطفی و صمیمیت زوجین دارای طلاق عاطفی. پژوهش‌های مشاوره. ۲۰ (۸۰)

<http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v20i80.8490>

جهان‌بخشی، زهرا؛ و کلانترکوشه، سید محمد. (۱۳۹۱). رابطه ابعاد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایزیافتگی با رغبت به ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علامه. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۲ (۲۲): ۲۳۴-۲۵۴.

حاتمی‌ورزنه، ابوالفضل؛ اسماعیلی، معصومه؛ و برجعلی، احمد. (۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند: یک پژوهش گراند‌تئوری. مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۱۶ (۱): ۱۴۹-۱۲۰.

حیدرعلی، ه. و من (۱۳۹۲). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. انتشارات سازمان سمت.

زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا؛ و صادقی‌فرد، مریم. (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تبیین نقش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی با میانجی‌گری تعارضات خانوادگی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۹ (۳۵): ۲۶۱.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2018.28656.1737>

سلیمانیان، علی‌اکبر؛ و محمدی، اکرم. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی. پژوهش‌نامه تربیتی. ۱۹ (۱۹)، ۱۵۰-۱۳۱.

عارفی، مختار؛ رحیمی، روح‌اله؛ و شیخ‌اسماعیلی، دلنیا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان فرهنگی بر مبنای میزان تمایزیافتگی از خانواده اصلی و رضایت زناشویی والدین. خانواده و پژوهش. ۳۱: ۸۷-۱۰۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26766728.1395.13.2.5.1>

عارفی، مختار؛ و محسن‌زاده، فرشاد. (۱۳۹۵). سبک‌های دل‌بستگی فرایندهای تعامل زناشویی و رضایت زناشویی: مدل معادلات ساختاری برازش مدل خانواده‌درمانی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۲ (۳): ۲۸۸-۲۰۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516654.1391.2.3.2.1>

علی‌بکیان، علیرضا؛ و افشاری‌نیا، کریم. (۱۳۹۸). برازش مدل نقش واسطه‌ای دزدگی زناشویی در رابطه بین تمایزیافتگی خود، سبک‌های حل تعارض و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی سازگاری زناشویی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی. ۲۹ (۲)، ۴۵-۵۸.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1398.10.38.11.2>

غلامعلی‌پور جاغرق، سمیه. (۱۴۰۰). رابطه تمایزیافتگی خود و دزدگی زناشویی معلمان زن مدارس ابتدایی. ایده‌های نوین روان‌شناسی. ۸ (۱۲): ۱-۸.

<http://jnip.ir/article-1-436-fa.html>

فرج‌نیا، سعیده؛ حسینیان، سیمین؛ شهیدی، شهریار؛ و صادقی، منصوره سادات. (۱۳۹۳). تهیه و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس عملکرد جنسی زناشویی. دوفصلنامه مشاوره کاربردی. (۱)۴: ۸۵-۱۰۲.

<https://doi.org/10.22055/jac.2014.12563>

قرلسفلو، مهدی؛ جزایری، رضوان السادات؛ بهرامی، فاطمه؛ و محمدی، رحمت الله. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل موثر بر تعهد زناشویی از نظر زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های مشاوره. (۶۳).

<http://iran-counseling.ir/journal/article-1-176-fa.html>

قمی کیوی، حسین؛ شیخ‌الاسلامی، علی؛ و صمدی، مهران. (۱۳۹۴). رابطه تمایز یافتگی خود، سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت زناشویی همسران سازگار و ناسازگار. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

<https://civilica.com/doc/394612>

کرایبی، امین؛ خجسته‌مهر، رضا؛ سودانی، منصور؛ و اصلانی، خالد. (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایت‌مند در زنان. مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده. (۲): ۱۶۴-۱۲۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516654.1395.6.2.7.2>

کیانی، اردشیر؛ نوابی‌نژاد، شکوه؛ احمدی، خدابخش؛ و تقوایی، داوود. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل خطر ساز پایداری ازدواج در فرهنگ ایرانی. فصلنامه خانواده و بهداشت. ۲: ۱۲۱-۱۴۱.

<https://civilica.com/doc/1377546>

گاتمن، جان. (۱۳۹۰). بهسازی رابطه‌ها. ترجمه مصطفی علیزاده. تهران: انتشارات قطره. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۲).

گاتمن، جان؛ و سیلور، نان. (۱۳۸۶). هفت اصل اخلاقی برای موفقیت در ازدواج. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: انتشارات جیحون. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۹).

محسن‌زاده، فرشاد؛ محمد نظری، علی؛ و عارفی، مختار. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان. ۱۴(۵۳): ۷-۴۲.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20082827.1390.14.53.2.8>

محمدی، م؛ و صدراقتی‌فرد، م. (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس باورهای ارتباطی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی. دوره ۴: ۹۹-۸۴.

<https://www.doi.org/10.22034/afjt.2023.355521.1738>

معصومی، سمیرا؛ رضاییان، حمید؛ و حسینیان، سیمین. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین. مطالعات زن و خانواده. ۱: ۱۰۱-۷۹.

<https://doi.org/10.22051/jwfs.2017.10686.1179>

مهدویان، ف. (۱۳۷۶). بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضایت مندی زناشویی و سلامت روانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. به راهنمایی دکتر باقر ثنائی. تهران: انستیتو روانپزشکی تهران.

مؤمنی، خدا مراد؛ کاوسی‌امید، سکینه؛ و امانی، رزیتا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایز یافتگی خود، همبستگی و انطباق‌پذیری خانواده و صمیمیت زناشویی. فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده. شماره ۲: ۵۸-۴۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24234869.1394.1.2.5.6>

نبوی حصار، جمیله؛ عارفی، مختار؛ و یوسفی، ناصر. (۱۳۹۳). اثربخشی خانواده درمانی با تأکید بر نظام عاطفی بوئن بر سبک های عشق ورزی و صمیمیت در زنان. فصلنامه مشاوره کاربردی ۴(۲)، ۸۳-۹۳.

<https://doi.org/10.22055/jac.2015.12599>

نیک‌نژاد، الهه؛ و عسگری، پرویز. (۱۳۹۸). اثربخشی گروه‌درمانی به شیوه تحلیل تبادل‌ی بر ابراز احساسات، افزایش احترام متقابل، حل تعارض زناشویی و رضایت زناشویی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۱۴(۴۷)، ۱۲۹-۱۴۶.

هاشمی، شهسوار؛ عارفی، مختار؛ کاکابرابی، کیوان؛ و چهری، آریتا. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان، مدیریت تعارض و صمیمیت جنسی در رابطه سازگاری زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی. دستاوردهای روان‌شناختی. ۲۹(۲) ۲۵۰-۲۳۱. <https://doi.org/10.22055/psy.2022.40111.2799>

هاشمی‌نیک، اعظم؛ حیدری، حسن؛ داودی، حسین؛ و جعفری، اصغر. (۱۴۰۰). الگوی پیش‌بینی سبک‌های حل تعارض بر اساس ابعاد تمایز یافتگی و انعطاف‌پذیری شناختی با نقش میانجی شفقت ورزی به خود زوجین. مجله تحقیقات علوم رفتاری. ۱۹(۱): ۱۳-۲۴. <http://dx.doi.org/10.52547/rbs.19.1.13>

هراتیان، عباس علی؛ جانبرزگی، مسعود؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ و رسول‌زاده طباطبایی، کاظم. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل ثبات زناشویی در جامعه ایرانی اسلامی با رویکرد فراترکیب. پژوهش‌نامه اسلامی زن و خانواده ۸(۳): ۷۵-۹۴. <https://civilica.com/doc/1419961>

همائی، رضوان؛ و دشت‌بزرگی، زهرا. (۱۴۰۰). همبستگی تمایز یافتگی خود و خوش‌بینی با مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی در دانشجویان پرستاری. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت. ۲۹(۲)، ۴۵-۵۸.

<http://jhpm.ir/article-789-1-fa.html>

یاری پور، ع. (۱۳۷۹). بررسی تاثیر طرح مداخلات مشاوره خانواده بر میزان ثبت طلاق در محاکم دادگستری شهر قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن

یزدانی، فاطمه؛ شفیع‌آبادی، عبدالله؛ و حیدری، حسن. (۱۳۹۹). پیش‌بینی پایداری زناشویی بر اساس معیارهای همسرگزینی، مهارت‌های ارتباطی و تاب‌آوری خانواده. مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت. ۱۴(۱)، ۶۹-۷۸. یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خانوادگی تفکیک خویشتن. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده. ۱(۱) ۳۸-۱۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516654.1390.1.1.2.0>

یونسی، فاطمه. (۱۳۸۵). هنجاریابی آزمون خود-تمایزسازی (DSI-R) در بین افراد ۲۵ تا ۵۰ ساله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

Ahmadi, E., Jahangiri, P., & Niknam, M. (2024). *Predicting emotional divorce based on differentiation with the mediation of communication patterns*. Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies, 5(2), 105–113.

<https://doi.org/10.61838/kman.jayps.5.2.12>

- Askarshahi, N., Nazjafari, S., Okhravi, H., Sadeghi, Z., & Jahangir, F. (2025). Effectiveness of marital conflict management training on strengthening conflict avoider style of marriage among couples with marital conflicts: Examining the moderation of couples' sexual dissatisfaction and controlling the marriage elapsed time. *Iranian Evolutionary Educational Psychology Journal*, 7(4), 1–17.
<https://doi.org/10.30483/rijm.2025.254575.1367>
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York: Jason Aronson.
- Glad, G. E (2000). The effect of self-differentiation on marital conflict. *American Journal of Pastoral Psychology*, 65-76.
https://doi.org/10.1300/J062v02n04_05
- Gottman, J. & Gottman, J (2017). 'The Natural Principles of Love'. *Journal of Family Theory & Review*, 9, 7-6.
- Gottman, J. & Gottman, J (2018). علم ازدواج و خانواده درمانی، ترجمه: شهرام محمدی، الیاس اکبری و مرتضی فیاضی (۱۳۹۲). تهران: انتشارات ابن سینا
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I (2002). 'Marital research in the 20th century and a research agenda for the 21st century'. *Family 197. Process*, 41(2), 159-
<https://doi.org/10.1111/j.1545-5300.2002.41203.x>
- Holman, T. B., Birch, P. J., Carroll, J. S., Doxey, C., Larson, J. H., & Linford, S. T (2001). *Premarital prediction of marital quality or breakup: Research, theory, and Practice*. New York: Kluwer Academic/Plenum Publishers
- Jacquet, S. E., & Surra, C. A (2001). Parental divorce and premarital couples: Commitment and other relationship characteristic: *Journal of Marriage and the Family*, 63, 627-638. <https://doi.org/10.1111/j.1741-3737.2001.00627.x>
- Kaslow, F., & Robison, J. A (1996). 'Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors'. *American Journal of Family Therapy*, 24(2), 153- 170.
<https://doi.org/10.1080/01926189608251028>
- Kepler, Amanda (2015). *Marital Satisfaction: The Impact of Premarital and Couples Counseling*. Retrieved from Sophia, the St. Catherine University repository website. https://sophia.stkate.edu/msw_papers/474
- Kerr, M. E (1999). *Murray Bowen, Bowen theory, and the family movement*. Family Systems Forum, 1(2), 5-7.
https://www.researchgate.net/publication/277814784_Family_Systems_Murray_Bowen_Theory
- Kerr, M. E., & Bowen, M (1988). *Family evaluation: An approach based on Bowen theory*. New York: Norton.
<https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=2256718>
- Olson, D.H., & Fowwers, b.J. (1993). Five types of marriage: An empirical typology based on ENRICH. *The Family journal*. 1 (3), 196_207.
<https://doi.org/10.1177/1066480793013002>
- Parsa kia, K., Farzad, V., & Rostami, M (2023). The mediating role of attachment styles in the relationship between marital intimacy and self-differentiation in couples. *Journal of Applied Family Therapy*, 4(1), 589-607.
<https://journals.kmanpub.com/index.php/aftj/article/view/1696>

- Skowron, E (2015). The role of differentiation in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 236.
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L (2010). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45(3), 235-246. <https://doi.org/10.1007/s10591-008-9075-1>
- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 31(1), 3-18. <https://doi.org/10.1007/s10591-008-9075-1>
- Telli, A., & Yavuz Güler, Ç (2023). *Differentiation of Self, Forgiveness, Jealousy, and Conflict Resolution Responses among Married Individuals: The Mediating Role of Relationship Satisfaction, Relationship Adjustment, and Emotional Dependency*. *Contemporary Family Therapy*, 45(2), 157-171. https://doi.org/10.1300/J087v39n03_02
- Ünal, Ö., & Akgün, S (2022). Conflict Resolution Styles as Predictors of Marital Adjustment and Marital Satisfaction: An Actor-Partner Interdependence Model <https://doi.org/10.1080/13229400.2020.1766542>
- Zohrei, E., Dehghan Manshadi, M., Fallah, M., & Vaziri, S. (2025). Designing a model of marital conflict based on conflict with the family of origin and in-laws. *Iranian Evolutionary Educational Psychology Journal*, 7(1), 1-17. <https://doi.org/10.22034/7.4.1>

